

شجره طایفه مرجعیت شیعه

مدیر مسئول

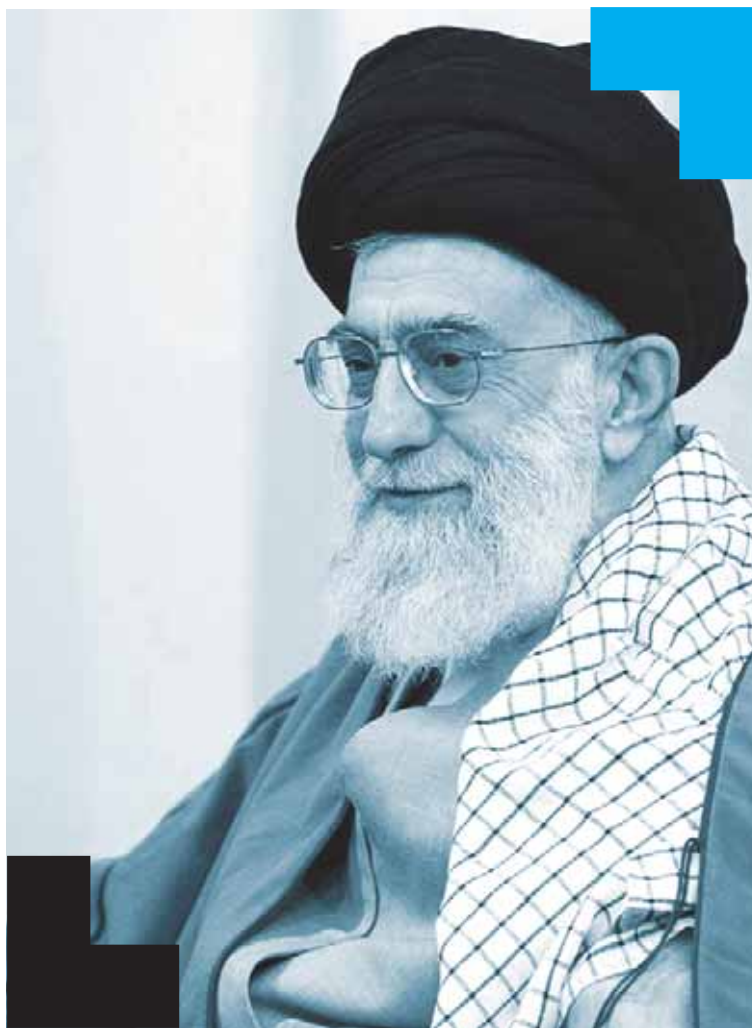
عالم امکان صاحب عصر و زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تاکنون با شایستگی و در حد توان و مقدرات تاریخی خود از حمل این امانت بزرگ سرفراز بیرون آمده است. تشیع از آغاز حیاتش - که عصر رسول الله صلی الله علیه و آله است - تاکنون در معرض انواع دسیسه های دشمنان برای محو و نابودی بوده است تا آنجا که همه پیشوایانش به جز دوازدهمین آنان - که از خوف همین دشمنان پرده نشین شد - در مظلومیتی آشکار و خونبار به شهادت رسیدند تا مایه تشفی خاطر ناپاک ترین فرزندان آدم باشند.

با آغاز عصر غیبت کبری، امر صیانت از مکتب و سرپرستی تشیع از جانب آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه الله الاعظم بر اساس توقیعی شریف به فقهای شیعه واگذار شد که علاوه بر فقاہت و دین شناسی واجد چهار ممیزه باشند: ۱. پاسداری و حفاظت از دین و مرزهای اعتقادی ۲. صیانت از نفس و تسلط بر آن ۳. برحذر بودن از هوا و هوس های شیطانی ۴. اطاعت از اوامر خداوند متعال

مرجعیت شیعه نه تنها مشروعیت خود را از توقیع یاد شده می گیرد بلکه بقا و استمرار حیات با نشاط و مؤثرش به دلیل واجدیت ممیزه ها و صفاتی است که توقیع مبارک بر می شمارد.

البته عامل دیگری را نیز باید بر عوامل چهار گانه فوق افزود که آن مساله زمان شناسی و مصلحت سنجی های خردمندانه فقها و علمای شیعه در شرایط گوناگون تاریخی بوده است؛ خصیصه ای که بر گرفته از سیره قولی و عملی معصومین علیهم السلام است.

فقهای تشیع با درک شرایط زمانه خود و فهم درست از توانمندیها، ضعفها، فرصتها و تهدیدها، موقف و ایستار شایسته را در دوران خود اتخاذ کرده و به انجام وظایف



کرد و پرونده آن را بست بلکه این امر گویای نکات در خور تامل فراوانی در باره نهاد مبارک و تاریخی مرجعیت است.

مرجعیت تشیع از آغاز دوره غیبت - که دوران یتیمی شیعه و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است - بار سنگین سرپرستی یتیمان آل محمد علیهم السلام و صیانت از ثقلین را بر دوش گرفت و با استعانت از خداوند متعال و استمداد از قطب

مرجعیت شیعه که عمدتاً در شهر مقدس قم استقرار دارد، در سفر اخیر مقام معظم رهبری به قم حماسه ای از بیداری، دین مداری، زمان آگاهی و دشمن شناسی آفرید. بدون شک استقبال یکپارچه و گرم مراجع عالیقدر جهان تشیع از حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - مد ظله العالی - را که خود شاخه ای ستبر از شجره طایفه مرجعیت است نباید به عنوان یک رویداد معمولی تلقی



دینی و سیاسی و اجتماعی خود می پرداختند و آنچه در این میان محوریت و اصالت داشت، حفظ کیان تشیع و تحویل آن به نسلی پس از نسلی دیگر در حجمی عظیم از فشارها و سختی ها بوده است.

آنچه در تاریخ تشیع تا روزگار ما و دوران تاسیس نظام جمهوری اسلامی غلبه داشته است، مظلومیت و مغلوبیت شیعه در برابر حکومت‌های جور بوده است که البته در مقاطعی نظیر دوران صفویه گشایشهایی برای شیعه و مرجعیت آن حاصل می شده است و مراجع و فقهای شیعه با هوشیاری و سنجیدگی تمام از فرصتهای به دست آمده در جهت ترویج و تقویت مکتب بهره می بردند.

بدون شک یکی از سخت ترین دوران تشیع و مرجعیت آن را باید دوره پس از نهضت مشروطه دانست که رژیم پهلوی به عنوان نماینده و دست نشانده نظام سلطه مدرن جهانی بر ایران حاکم می شود و از همان آغاز در پی هدم و محو دین و تشیع با شیوه ها و شگردهای گوناگون است.

رژیم مدرن پهلوی در صدد خلع ید از مرجعیت و روحانیت شیعه در همه سطوح اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بر می آید تا در پی آن جامعه ای لاییک نظیر آنچه در ترکیه رخ داد در ایران شیعی استقرار یابد و دین که جدی ترین مانع بسط نظام استکباری مدرن بود از حیات فردی و اجتماعی روزگار جدید محو شود و الحاد مدرنیته همه ارزشهای الهی و معنوی را از میدان به در نماید. در اینجا است که مرجعیت شیعه با محوریت و رهبری حضرت امام خمینی (ره) به تکلیف دینی و الهی خود عمل می کند و نظام سلطه جهانی مدرن بر آمده از رنسانس غرب را با یکی از بزرگترین ناکامیهایش مواجه می کند و اکنون پس از گذشت سی سال همچنان نظام جمهوری اسلامی که حاصل همان حرکت الهی بود، به مثابه سدی استوار در برابر فروتنخواهی ها و استکبار منشی نظام سلطه جهانی ایستاده است.

مرجعیت شیعه با محوریت و زعامت ولایت فقیه، هم علت حدوث نظام اسلامی و هم عامل بقا و استمرار آن بوده است و این حقیقتی است که بیش از همه، نهاد مرجعیت به آن وقوف و تقطن دارد.

اکنون با این مقدمه باید این سوال را مطرح کنیم که دلیل استقبال گرم و پرشور

مراجع عالیقدر تشیع از رهبری معظم انقلاب چه بوده است؟ یک امر تشریفاتی؟ یک حرکت زود گذر احساساتی؟ یک اقدام از سر جبر و فشارهای سیاسی و حکومتی؟ به نمایش گذاشتن عرق و تعلقات صنفی؟ و...؟

اندک آشنایی با نهاد مرجعیت تشیع و آشنایی با مراجع عظام تقلید، نافی همه گمانه زنی ها و صور فوق بوده و ساحت مرجعیت شیعه را از این امور منزه می داند؛ همانگونه که ساحت نظام جمهوری اسلامی که خود بر آمده از نهاد مرجعیت است و رهبری آن که خود مرجعی عظیم الشان است، از کشاندن نهاد مرجعیت به چنین سوائق و راهبردهایی سست و غیر الهی مبرا است.

پس رمز و راز آن استقبال چه بود؟ بدون تردید باید مجدداً به سراغ آن چهارگانه موجود در توقیع شریف به ضمیمه عامل زمان آگاهی برویم که همچنان مایه قوام و بقای مرجعیت است.

مرجعیت شیعه به دلیل تسلط بر نفس و مخالفت با هوا و هوس های نفسانی، هرگز با انگیزه های دنیا خواهانه و قدرت طلبانه، حرکت ها و موافقت و مخالفت های خود را شکل نداده است. از همین رو این نهاد در برخورد با نظام جمهوری اسلامی، نه از سر هوا و هوس و دنیا خواهی به مماشات و مصانعه می پردازد و نه به معاندت و مخالفت. مرجعیت تشیع، وظیفه حفاظت از دین خداوند و اطاعت از مولای خود را در تعاملی مشفقانه و منصفانه با نظام جمهوری اسلامی و رهبری آن می بیند و با زمان شناسی عمیق خود، موقعیت ممتاز نظام جمهوری اسلامی را در جهان کنونی در می یابد.

آشنایان با تاریخ تشیع از ادواری که علما و فقها برای حفظ کیان شیعه و بلکه گاه برای تألیف و انتشار یک اثر شیعی ملزم به چه مجیز گویی هایی نسبت به حاکمان جبار و فاسد بودند بی اطلاع نیستند، اما امروز آنچه در ایران حاکم است نظامی برآمده از خود این نهاد با رهبری عضوی شایسته از همین نهاد است و چه فرصت و نعمتی از این عظیم تر و قابل تقدیرتر و سزاوارتر به سپاسگزاری به درگاه الهی؟

مرجعیت شیعه به خوبی بر این موقعیت یگانه و بی نظیر تاریخی برای تشیع وقوف دارد و برای اولین بار در تاریخ خود، با حاکمی روبروست که از جنس و سنخ خودشان است.

آنان دین خواهی او را در روزگار غلبه کفر و الحاد، و صلابت و سازش ناپذیری اش را در برابر دشمن مستکبر و فزون خواه، و خاکساری اش را در برابر مؤمنان و مردم و محرومان جامعه، و شایستگی اش را در اداره امور و غلبه بر معضلات و فتنه های برآمده از طراحی های شیاطین داخلی و خارجی حس و لمس می کنند؛ پس چه جای ناسپاسی است؟

آگاهان می دانند که رابطه مرجعیت با جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون نه رابطه ای متملقانه بلکه منصفانه و مشفقانه بوده است و هر جا که ضعف و نقصان و خطایی را تشخیص داده است، به مسئولان نظام گوشزد کرده است و حتی گاه در برابر برخی از بی مهری های ناشی از غفلت برخی از مسئولان آزرده خاطر شده است اما این همه باعث نبوده است که از اصلی و فرعی کردن امور غافل شود و احیاناً بسترهایی را برای سوء استفاده شیاطین داخلی و خارجی که تشنه ذره ای بی توجهی و غفلت و بی تدبیری از نهاد مزبور هستند، فراهم نماید.

فتنه خطرناک سال ۸۸ در عطش و تشنه کامی گوشه چشمی از توجه و عنایت نهاد مرجعیت جان داد و آرزوی به بازی گرفتن مراجع عالی قدر شیعه را در برابر نظام به گور برد.

نظام استکباری غرب و آمریکا در تحلیل و فهم مسائل انقلاب و جمهوری اسلامی با گره های کور فراوانی مواجه است که از جمله آن همین رابطه و تعامل الهی و هشیارانه مرجعیت با رهبری است. عقلانیت سیاسی مدرن با جوهره ماکیاولیستی اش و با آموزه های انسان شناسانه اش که انسان را گرگ انسان می داند، از درک این نکته که رهبران مذهبی و دینی ایران چگونه تا این حد با هم تفاهم و تعامل دارند عاجز است.

اما فارغ از همه این حرف ها، این شجره طیبه مرجعیت با محوریت نهاد الهی ولایت فقیه است که به وظایف دینی خود در قبال حفظ کیان تشیع چون سلف صالح خود عمل می کند و همراه با شیعیان، این مظلومان همیشه تاریخ، در تمنای حادثه عظیم ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حضرت حجت بن الحسن العسکری لحظه شماری می کند.

اللهم ارنا الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة ...